

امام موسی بن جعفر (ع) در دایرة المعارف ها

<?xml encoding="UTF-8">

سابقه دایره المعارف نویسی به قرنهای اولیه اسلام برمی گردد، دایره المعارف از نظر معنا مترادف با «موسوعه»، «جامع العلوم»، «دانشنامه» و «محیط المعارف» است. اینگونه کتابها بخش وسیعی از علوم و معارف و دانش بشری را فرامی گیرند.

دایره المعارف که غالباً به ترتیب الفبا است از گاه تا کهکشان را دربرداشته و ذیل مدخل های متنوع و پراکنده با مقالات کوتاه یا بلند اصطلاحات علوم مختلف، عالمان و شخصیت های مهم تاریخ و زمانها و مکانهای صاحب نام را معرفی می کند.

بعضی از این دایره المعارف ها عمومی بوده و بعضی از آنها چون دائره المعارف علوم عقلی یا دایره المعارف فقه اختصاص به یک علم خاص داشته اما همه اطلاعات مربوطه به آن موضوع را مورد بحث قرار داده اند. تعریف دقیق و جامع دایره المعارف و نیز سابقه تاریخی دایره المعارف فسویسی و بیان انواع آنها خود احتیاج به مقاله ای بلند دامن دارد که فعلاً از عهده این مقال خارج است. برخی از دایره المعارف ها عبارتند از:

رسائل اخوان الصفا، احصاء العلوم فارابی، شفاء ابوعلی سینا، مفاتیح العلوم خوارزمی، جامع العلوم فخر رازی، نفایس الفنون آملی، مفتاح العلوم سکاکی، بحار الانوار علامه مجلسی، سفینه البحار، دایره المعارف اسلامیة ایران از عبدالعزیز، لغت نامه دهخدا، دایره المعارف اعلی، دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه زیر نظر سید حسن امین، دایره المعارف الاسلامیه ترجمه عربی از متن انگلیسی، دایره المعارف دکتر محمود مصاحب، دایره المعارف تشیع، دایره المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، فرهنگ زندگینامه ها و ...

ما در این مقاله شخصیت حضرت امام موسی بن جعفر (ع) را از نظر این کتابها بطور اجمال بررسی می کنیم.

1- دایره المعارف تشیع، ج 2، ص 363، این کتاب مقاله ای در سه ستون یک صفحه و نیم را به معرفی امام هفتم (ع) اختصاص داده است، این مقاله از نظر محتوی بسیار خوب و دقیق است اما از این جهت منبع بسیار محدود بوده و تنها از سه منبع شیعی (بحار الانوار، اعیان الشیعه، ارشاد) و سه منبع اهل سنت (کامل، تاریخ بغداد، سیر اعلام النبلاء) استفاده کرده است و تولد امام را در یکشنبه هفتم صفر 128 یا 129 دانسته و می گوید در سال 148 به امامت رسید و در سال 183 وفات یافت.

نویسنده توضیح داده است که امام به جهت کثرت زهد و عبادت به «عبد صالح» و به جهت حلم و فروخوردن خشم و صبر بر مشکلات و آلام زمانه مشهور به «کاظم» گردید. امام قدی متوسط و رنگی سبزه سیر و محاسنی انبوه داشت. پس از بیان ملاقات هارون با امام و پیشنهاد ارجاع فدک از کلام امام علیه السلام نتیجه خوبی گرفته است و آن اینکه مقصود امام (ع) این بود که خلافت و اداره سراسر کشور حق من است.

علو شان و مکارم اخلاق امام توضیح داده شده و آمده است:

«حضرتش در علم و حلم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی ضرب المثل بود، بدان و بدانیشان را با عفو و احسان بی کران خویش تربیت می فرمود. شبها بطور ناشناس در کوچه های مدینه می گشت و به مستمندان کمک می کرد.

مبلغ دویست، سیصد و چهار صد دینار در کیسه ها می گذاشت و در مدینه میان نیازمندان قسمت می کرد. صرار

(کیسه ها) موسی بن جعفر در مدینه معروف بود. و اگر به کسی صره ای می رسید بی نیاز می گشت. معذک در اطاقی که نماز می گزارد جز بویا و مصحف و شمشیر چیزی نبود.»

2- بستان السیاحه از حاج زین العابدین شیروانی ص 548 این کتاب که دایره المعارفی از علوم و اعلام اسلامی است، زندگانی امام هفتم علیه السلام را به همان سبک متعارف بیان کرده است. در ص 592 بحث جالبی درباره جعفر برمکی آورده و می گوید: خاندان برمکی مجوسی بوده و بعد مسلمان شدند. عارفی گوید: باعث انقراض آل برمک عباسه نبود، بلکه چون یحیی بر هلاک «انسان کامل» اقدام نمود دید آنچه آل برمک عباسه آنچه کشید، زیرا که بر ارباب هوش پوشیده نیست که از بدو عالم تانقراض بنی آدم، باری تعالی چنین مقرر نموده و بر این نمط مقدر فرموده که چون انقراض خواهد سپری جوید صاحب آن دولت با انسان کامل طریقه ستیزه پوید، زیرا که هیچ دولتی منقرض نگردید و آفتاب اقبال هیچ ذی شوکتی بمغرب زوال نرسیده مگر آنکه آن صاحب دولت یکی از نفوس زکیه را به قتل آورده و یا آنکه به اخراج و اهانت اوامر کرده یا آنکه بر قتل و اذیت او راضی بوده.

چون خدا خواهد که پرده کس درد میلش اندر طعنه پاکان برد
هیچ قومی هلاک نشده مگر آنکه در افکار انبیاء و اولیاء دم زده، هیچ شخصی خسرال دنیا و الاخره نگشته مگر آنکه تخم عداوت اولیاء در زمین دل خود کشته.

تا دل مرد ندا نامد بدرد هیچ قومی را خدا رسوا نکرد

سپس چندین سلسله از حکومت هارا ذکر کرده که بر اثر اذیت انسان کامل نابودگشته اند.

3- الاعلام زرکلی ج 7، ص 721، این کتاب کمتر از یک ستون را به معرفی امام هفتم (ع) اختصاص داده و به علم و عبادت امام اشاره کرده است اما سخنی از احادیث فراوان امام (ع) عنوان نکرده است. یکی از اشکالات اساسی بحث این کتاب آن است که برای معرفی امام هفتم (ع) از منابع شیعی استفاده نکرده است.

4- تاریخ الاسلام ذهبی ج 12، ص 11 تنها یک سطر به امام اختصاص داده و وفات امام را در سال 183 می داند.

5- تاریخ بغداد ج 13، ص 27، ش 6987 مولف این کتاب با آنکه از اهل سنت است فصل مفصلی درباره امام هفتم (ع) بیان کرده، عبارتها و سجده های طولانی امام و نیزانفاق و صدقات آن حضرت را بخوبی بیان کرده است. در ص 31 گوید:

«مدتی که امام نزد سندی شاهک محبوس بود خواهر سندی درخواست کرد که متولی حبس امام باشد، و چون زن متدینی بود در زندان امام را خدمت می نمود.»

6- یکی از مهمترین دایره المعارف های علوم شیعه «بحارالانوار» است که تقریباً همه موضوعات و مدخل های علوم مختلف شیعی را بحث کرده است. این کتاب بزرگترین دایره المعارف در نوع خود بشمار می رود. جلد 48 این کتاب به امام کاظم (ع) اختصاص دارد.

این کتاب دارای دوازده باب و 290 صفحه است که تاریخ و احوال امام را به طور مفصل بیان کرده است. در پایان این کتاب مصحح محترم آن سه باب درباره برادران و خواهران امام و فرزندان و حرم مطهر کاظمین (علیهمالسلام) آورده است.

ضمناً ص 290 این کتاب به حضرت سنی فاطمه معصومه (علیهاالسلام) اختصاص دارد.

7- سفینه البحار ج 7، ص 460 ذیل ماده «و س ی» شرح حال امام هفتم علیه السلام را ذکر کرده است. آنچه به عنوان زندگی و شرح مکارم اخلاق امام اینجاذکر شده است همه را از بحارالانوار نقل نموده و تنها چیزی که

افزون بر آن دارد این است که سبب شهادت امام (ع) را از کتاب «الدارالمنظیم» نقل کرده و گوید:

یحیی بن خالد خرما و ریحان مسموم را به امام خوراندید، ضمنا شرح حال شاه چراغ احمد بن موسی و حسین بن موسی بن جعفر (ع) را از کتاب شدالازار نقل کرده است.

8- لغت نامه دهخدا، جزوه اول حرف کاف جلد 34 از تجلید 50 جلدی ص 204 هفت ستون درباره امام هفتم علیه السلام دارد. در این کتاب پس از نقل عبارت مفصلی از «حبیب السیر» گوید: «در تاریخ گزیده مسطور است که به عقیده بعضی از شیعه سرب در حلقوم آن امام معصوم ریختند و بدست بی شرمی رشته عمر عزیزش را بگسیختند». و چند حکایت نیز که بیان کننده فضایل آن حضرت است نقل نموده است.

9- دایره المعارف القرن العشرين از محمد فرید وجدی، ج 8، ص 139 ذیل ماده کاظم کلمات خطیب بغدادی را از تاریخ بغداد و مروج الذهب مسعودی درباره اخلاق و سخاوت امام نقل کرده است. پس از آن خوابی را نقل می کند که امام (ع) دعای نجات از زندان را از پیامبر فرا گرفت. سپس گوید احادیث و سخنان زیادی از این امام نقل شده است. قبر امام در بغداد مشهور و حرم بزرگی داشته که مورد توجه و زیارت مردم است.

10- اعیان الشیعه، ج 2، ص 5. این کتاب که دایره المعارف اعلام شیعه است بحث خوبی و جامعی درباره امام هفتم علیه السلام دارد. در این کتاب پس از بیان شرح امام و القاب و کنیه های حضرت و نام فرزندان امام اخلاق حسنه امام و مناقب و فضایل او را ذکر کرده و نمونه هایی از علم، حلم، تواضع، مکارم اخلاق، شدت ترس از خدا، کرم، سخاوت، و زیاد صدقه دادن این امام را به همراه نمونه های تاریخی بیان کرده است.

اخبار و برخوردهای امام با هارون الرشید و نیز توضیح مفصل کیفیت شهادت امام از دیگر بحث های این کتاب است. همچنانکه در این کتاب کلمات قصار امام و تعدادی از حکمتها و پندهای آن حضرت بیان شده است.

ضمنا جالب توجه است که بدانیم امروزه لقب «باب الحوائج» از لقب های خود امام هفتم (ع) بشمار می رود ولی آنگونه که از کلام سید محسن امین در این کتاب بدست می آید لقب «باب الحوائج» نام مکان قبر امام علیه السلام است زیرا امام را درمکانی دفن کردند که به باب التبن شهرت داشت ولی پس از دفن امام در آن مکان چون مردم حاجت های خود را نزد آن قبر مطهر برآورده می یافتند آن مکان باب التبن را باب الحوائج لقب دادند.

در پایان باز ذکر این نکته لازم است که شرح حال امام (ع) در کتابهای زیادی چون «تاریخ ابن خلدون»، «البدایه و النهایه»، «میزان الاعتدال» و ... آمده است که اینها را نمی توان داخل عنوان دایره المعارف نمود و لذا چون از عنوان مقاله خارج بودند به ذکر آنها نپرداختیم.

از طرف دیگر اکثر کتابهایی که قبلا اشاره شد و نام دایره المعارف بر آنها صدق می نمود یا اصلا شرح حال امام هفتم (ع) را ندارند و یا آنکه چون هنوز آنها تکمیل نشده اند به این بحث نپرداخته اند.

لازم به ذکر است که بعضی از این دایره المعارف ها اصلا به بخش اعلام نپرداخته اند مثل دایره المعارف سید حسن امینی و بعضی از آنها هنوز کامل نشده و لذا مدخلی درباره امام هفتم (ع) ندارند چون سه کتاب اخیر، و بعضی از آنها تنها به مباحث علوم پرداخته یا توجهی به امامان شیعه و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) ننموده اند مثل دایره المعارف الاسلامیه. ضمنا بعضی از کتابهایی که در این مقاله عنوان شده اند طبق بعضی از تحریفها می توان آنها را دایره المعارف نامید و اطلاق دایره المعارف بر آنها مورد اتفاق نیست.